

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه کاشان
دانشکده علوم انسانی

بسمه تعالی

تاریخ:
شماره:
پوست:

مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه
صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

نام و نام خانوادگی دانشجو: سید سهیل موسوی شماره دانشجویی: ۸۹۱۲۵۶۰۰۶

رشته: حقوق - حقوق جزا و جرم شناسی دانشکده: علوم انسانی

عنوان پایان نامه: تغییرات اهداف مجازات در حقوق جزای معاصر غرب

تعداد واحد پایان نامه: ۴ تاریخ دفاع: ۱۳۹۱/۱۱/۲۸

این پایان نامه به مدیریت تحصیلات تکمیلی به منظور بخشی از فعالیتهای تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد ارائه می گردد. دفاع از پایان نامه در تاریخ ۹۱/ ۱۱/۲۸ مورد تأیید و ارزیابی اعضای هیأت داوران قرار گرفت و با نمره $\frac{۱۸}{۲۵}$ به عدد و با درجه بسیار خوب به تصویب رسید. به حروف هجیره رسیب و نهم صد م به حروف

اعضاء هیأت داوران:

عنوان	نام و نام خانوادگی	مرتبه علمی	امضاء
۱. استاد راهنما	دکتر جعفر یزدیان	استادیار	
۲. استاد مشاور	دکتر سعید قماش	استادیار	
۳. متخصص و صاحب نظر دانشگاه	دکتر عباس زراعت	استاد	
۴. متخصص و صاحب نظر دانشگاه	دکتر قاسم شفیعی	استادیار	
۵. نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر حسین ایمانیان	استادیار	

مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه

آدرس: کاشان - بلوار قطب راوندی
کد پستی: ۵۱۱۶۷ - ۸۷۳۱۷
تلفن: ۵۱۲۳۲۷ - ۵۱۲۳۲۷
<http://www.kashanu.ac.ir>



دانشگاه کاشان

دانشکده علوم انسانی

گروه حقوق

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی

عنوان:

تغییرات اهداف مجازات در حقوق جزای معاصر غرب

استاد راهنما:

دکتر جعفر یزدیان جعفری

استاد مشاور:

دکتر سعید قماش

توسط:

سید سهیل موسوی

بهمن ۱۳۹۱

تقدیم به

**روح بلند پدرم که برای من اولین آموزگار عدالتخواهی و
آزادگی بود.**

به مادرم به پاس از خود گذشتگی‌ها و زحمات بی‌دریغش.

به همسرم به پاس فداکاریها و همفکری‌هایش.

**و به پدر و مادر همسرم که دعای خیرشان همواره بدرقه راهم
بود.**

تشکر و قدردانی

حمد و سپاس خدای را عز و جل که آفریننده قلم می‌باشد. هم او بود که علم دوستی را به همگان ارزانی داشته و با مشعل فروزان علم دانش، بندگان خود را از تاریکی نجات بخشید.

در اینجا بر خود لازم می‌دانم به حکم «لَمْ يَشْكُرْ الْخَالِقُ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقُ» از تجمی اساتیدی که در دوران تحصیل و همچنین تدوین پایان‌نامه بنده را مساعدت نمودند تشکر و سپاسگذاری کنم.

از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر جعفر یزدیان جعفری که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش پایان‌نامه تقبل نمودند تشکر و قدردانی ویژه داریم. بدون تردید بدون تلاشهای بی‌دریغ و ارشادهای دلسوزانه ایشان این پژوهش به پایان نمی‌رسید.

از جناب آقای دکتر سعید قماش که به عنوان مشاور پایان‌نامه بنده را با راهنماییهای خود مورد لطف قرار دادند کمال تشکر را داریم.

همچنین از تشریک مساعی آقایان دکتر زراعت و دکتر شفیی که به عنوان اساتید داور این تحقیق را مورد مطالعه قرار دادند و در جلسه دفاعیه شرکت نمودند، تشکر و سپاسگذاری می‌نمایم.

در پایان از جناب آقای دکتر ایمانیان که به عنوان نماینده تحصیلات تکمیلی دانشگاه قبول زحمت نمودند سپاسگذاری می‌نمایم.

چکیده

عنوان این تحقیق «تغییرات اهداف مجازات در حقوق جزای معاصر غرب» می‌باشد. هدف از این تحقیق تشخیص اهداف مجازاتها در دوران معاصر کشورهای غربی، تشخیص علل مؤثر بر تغییرات اهداف مجازاتها و تشخیص جهت چرخش اهداف مجازاتها (تکاملی یا چرخشی) می‌باشد.

این تحقیق در سه فصل مجزا به انجام رسیده است. در فصل اول اهداف بازدارندگی، سزادهی و ناتوان‌سازی به همراه مکاتب مربوطه تفسیر می‌شوند. در فصل دوم اصلاح و درمان و جنبشهای بازگشت به کیفر با مکاتب مربوطه تجزیه و تحلیل می‌شوند. فصل سوم نیز به دلایل تغییرات اهداف مجازات می‌پردازد.

در قرون وسطی، حقوق جزا به خشونت گرایید و اجرای مجازاتها در اروپا، به دلیل فقدان اصول صحیح حاکم بر حقوق جزا با شکنجه‌های وحشتناک توأم گردید پس از آن عصر روشنگری با ظهور اندیشمندان و بالتبع آنها تأسیس مکاتب جدید کیفری آغاز شد. ایجاد و گسترش مکاتب جرم‌شناسی و تأثیر مکاتب مختلف کیفری، روند تکاملی حقوق جزا را سرعت بخشیده و استقبال حکومتها از چنین اندیشه‌هایی در پیشرفت سیاست کیفری بسیار مؤثر بوده است. مهمترین اهداف مجازاتها در این دوره، بازدارندگی، سزادهی و ناتوان‌سازی بود.

دستگاه عدالت کیفری پس از چندین قرن اجرای مجازات با اهداف پیش‌گفته شده، تحت تأثیر مکاتب دفاع اجتماعی به رویکرد اصلاح و درمان متوسل شد. اما در چند دهه اخیر بر اثر انتقادات وارده بر اصلاح و درمان، این رویکرد تقریباً کنار گذاشته شده و مجدداً دستگاه عدالت کیفری به کیفر روی آورد. در همین زمان مکتب نئوکلاسیک نوین به وجود آمد و جنبشهای بازگشت به کیفر آغاز شد. در ارتباط با علل این بازگشت حقوق کیفری به آموزه‌های پیشین خود می‌توان به دو دسته عوامل جرم‌شناختی و امنیتی اشاره نمود.

در پایان پژوهش به این نتیجه خواهیم رسید که تغییرات صورت گرفته در اهداف مجازاتها دارای سیر تکاملی است و نه چرخشی. مفهوم سزادهی و بازدارندگی در جنبشهای بازگشت به کیفر که در چند دهه اخیر مطرح شده است، با مفاهیم قبلی آنها متفاوت است. سزادهی و بازدارندگی در مکتب نئوکلاسیک جدید با توجه به تجربی شدن این مفاهیم در دوره‌های گذشته حقوق جزا، مبتنی بر اندازه‌گیریهای علمی و با در نظر گرفتن الزامات حقوق بشری صورت می‌گیرد و صرفاً به دنبال انتقامجویی نیست.

هدف دیگر دستگاه عدالت کیفری از اعمال مجازات، علاوه بر سزادهی و بازدارندگی، کنترل جرم و مدیریت ریسک آن می‌باشد. امروزه پذیرفته شده که جرم پدیده‌ای طبیعی است و نمی‌توان به طور کامل آن را سرکوب کرد اما می‌توان میزان آن را کنترل و مدیریت کرد.

کلمات کلیدی: اهداف مجازات، عصر روشنگری، حقوق جزای معاصر، اصلاح و درمان، کنترل جرم

فهرست مطالب:

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۱	۱. طرح مسأله.....
۴	۲. زمینه، سابقه و تاریخچه پژوهش.....
۵	۳. سوالات و فرضیه‌های پژوهش.....
۵	۴. اهداف پژوهش.....
۶	۵. اهمیت و ارزش پژوهش.....
۶	۶. روش انجام تحقیق.....
۶	۷. طرح تحقیق.....
۸	فصل اول: اهداف مجازاتها از مکاتب کلاسیک تا دفاع اجتماعی.....
۱۰	مبحث اول: بازدارندگی و سزادهی در مکاتب کلاسیک و عدالت مطلق.....
۱۱	گفتار اول: مفهوم بازدارندگی و سزادهی مجازات.....
۱۸	گفتار دوم: مکاتب کلاسیک و عدالت مطلق.....
۳۱	گفتار سوم: نقد مکاتب کلاسیک و عدالت مطلق.....

مبحث دوم: ناتوان سازی در مکتب تحقیقی..... ۳۴

گفتار اول: مفهوم ناتوان سازی..... ۳۵

گفتار دوم: مکتب تحقیقی..... ۳۷

گفتار سوم: نقد مکتب تحقیقی..... ۴۲

نتیجه فصل..... ۴۵

فصل دوم: اهداف مجازاتها از مکاتب دفاع اجتماعی تا مکتب نئوکلاسیک نوین..... ۴۷

مبحث اول: اصلاح و درمان در دفاع اجتماعی..... ۴۸

گفتار اول: مفهوم اصلاح و درمان..... ۵۰

گفتار دوم: مکاتب دفاع اجتماعی..... ۵۸

گفتار سوم: نقد مکاتب دفاع اجتماعی..... ۶۵

مبحث دوم: سزادهی و بازدارندگی در مکتب نئوکلاسیک جدید..... ۶۷

گفتار اول: جنبشهای بازگشت به کیفر..... ۶۸

گفتار دوم: مکتب نئوکلاسیک نوین..... ۷۲

گفتار سوم: نقد مکتب نئوکلاسیک نوین..... ۷۴

نتیجه فصل..... ۷۷

فصل سوم: دلایل تغییرات اهداف مجازاتها در حقوق جزای نوین غرب..... ۷۹

مبحث اول: مبانی جرم‌شناختی..... ۸۰

گفتار اول: رویکرد مدیریتی به ضمانت اجراهای کیفری بر اساس حالت خطرناک..... ۸۱

گفتار دوم: سیاست جنایی تسامح صفر..... ۸۶

مبحث دوم: مبانی امنیتی..... ۸۹

گفتار اول: علل امنیتی - اجتماعی تحولات اهداف مجازاتها..... ۹۰

گفتار دوم: علل امنیتی-اقتصادی تحولات اهداف مجازاتها..... ۹۵

گفتار سوم: علل امنیتی-روانی تحولات اهداف مجازاتها؛ ترس از جرم..... ۱۰۲

نتیجه فصل..... ۱۰۸

نتیجه گیری..... ۱۱۰

پیشنهادات..... ۱۱۲

فهرست منابع..... ۱۱۴

مقدمه

۱. طرح مسأله

نظام هستی و آفرینش بر پایه عدل و قسط و برابری برپا گردیده و اصول دینی و جهان بینی الهی نیز بر این امر استوار است. (وَ السَّمَاءَ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ)^۱. چه اینکه فلسفه بعثت انبیاء نیز بر اساس دعوت مردم به سوی خدا و پرهیز از شرک و نفاق از طرفی و بسط و گسترش عدالت و مساوات و جلوگیری از ظلم و تبعیض و بیداد فرادستان بر فرودستان تصریح می نماید.^۲ (فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ...)^۳.

توجه به حیات بشری و اهمیت نقش انسان در چرخه زندگی اجتماعی مورد تأیید اکثر نظام‌های حکومتی و مکاتب حقوقی قرار گرفته است.^۴ جوامع بشری به منظور تأمین و تضمین ارزشها و هنجارهای حاکم بر نظام اجتماعی خود و پاسداری از آن و ادامه حیات خود هنجارهایی را پدید می آورند که آنها را قانون می نامند. به عبارت دیگر هنجارها، قواعدی برای رفتارند که ارزشهای یک جامعه را برمی تابند و در کنار یکدیگر به چگونگی رفتار در محیط اجتماعی شکلی دهند. هر چند ارزشها و هنجارهای مذکور مورد پذیرش اکثریت قریب به اتفاق اعضای جامعه می باشد، لیکن همواره در عمل برخی آن را نادیده می گیرند. از این رو جامعه ناگزیر از واکنش نشان دادن در مقابل این قبیل ناهنجاریها، ضد ارزشها و هنجارشکنیها می باشد. مادام که هنجارشکنیها جنبه انحراف اجتماعی دارد، واکنش و عکس العمل جامعه نیز خفیف تر است و عمدتاً به شکل پند و اندرز می باشد.

^۱- الرحمن، آیه ۷

^۲- افسری، قاسم و علوی، سید ابودر، آیین دادرسی مدنی، انتشارات نگاه بینه، تهران، چاپی چهارم ۱۳۸۹، ص ۲۳

^۳- بقره، آیه ۲۸۲

^۴- رشادتی، جعفر، قتل عمد و غیرعمد، انتشارات پیک فرهنگ، تهران، ۱۳۸۸، ص ۲۳ فرعی

لیکن هرگاه این انحراف جنبه مجرمانه پیدا کند و از حالت منفعل و ایستا به حالتی فعال و ضدیتی محسوس و آشکار تبدیل گردد، انحراف اجتماعی عنوان بزه و جرم می‌گیرد و نتیجتاً جامعه نیز برای حفاظت از آمال و آرمانهای خود واکنش قهرآمیز نشان می‌دهد و چون حفظ حقوق و آزادی‌های فردی نیز از دیگر آرمانهای جامعه بشری می‌باشد. پس جامعه ناگزیر به اعضای خود هشدار می‌دهد که در صورت ارتکاب چنین افعالی با واکنش اجتماعی مواجه خواهند شد. از این رو قانونی را که بیانگر نوع، نحوه و میزان این واکنش قهرآمیز است، قانون جزا می‌نامند و این قانون هنگامی کارآمد خواهد بود که سه نقش و کارکرد محوری سرکوبگر بودن، تبیین ارزشها و حمایتی بودن را به طور هماهنگ اعمال نماید.^۱

در جوامع سنتی در دوره دادگستری خصوصی یا دادگستری عمومی، جرم رفتاری خلاف ارزشها و هنجارهای پذیرفته شده اجتماعی بود و هیچ معیار دیگری برای جرم انگاری وجود نداشت. جرم تنها عبارت بود از قضاوتی که افکار عمومی درباره بدی و زشتی یک عمل داشت.^۲ و بدین رو، در جوامع گوناگون، مصداقهای متفاوت و گاه ناسازگار داشت. بر پایه همین برداشت، دورکیم می‌گوید: «جرم از نظر ما عملی است که حالت نیرومند و روشن وجدان جمعی را جریحه دار کند.»^۳ ولی با آنکه وجدان جمعی وابسته به افراد است، غیر از افراد است، هیچ یک از افراد جامعه وجدان عمومی را خلق نمی‌کنند، اما در عین حال از روابط میان افراد پدید می‌آید. وجود کمی آن ناشی از افراد است، ولی وجود کیفی آن استقلال دارد.^۴ اما امروزه با توجه به پیشرفتهای علمی بشریت در همه عرصه‌ها و به لطف فن‌آوری‌های ارتباطات، یک دهکده جهانی در بین کشورها به وجود آمده است، با این حال بشر با تمام تلاشی که برای ساخت و ساز این تمدن عظیم انجام داده، خود اسیر چنگال آن شده است.^۵

در واقع تفاوت در اهداف مجازاتها، به دلیل نگاه متفاوتی است که اندیشمندان، حقوقدانان و فلاسفه هر نظام در جهان‌بینی، ایدئولوژی و افکار اعتقادی دارند. اندیشمندان واقع‌گرا که مبنای حقوق را نفوذ

^۱ - شکر، رضا و سیروس، قادر، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، نشر مهاجر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۵

^۲ - برول، هانری، حقوق و جامعه شناسی، ترجمه مصطفی رحیمی، انتشارات سروش، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۱، ص ۲۳

^۳ - دورکیم، امیل، درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، کتابسرای بابل، ۱۳۶۸، ص ۹۳

^۴ - آریان پور، اح، زمینه جامعه شناسی، دهخدا، تهران، ۱۳۵۳، ص ۱۱۹، به نقل از، قماش، سعید، کرامت انسانی راهبرد نوین سیاست جنایی،

مجله آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم رضوی، مشهد، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰، صص ۷۳ و ۷۵

^۵ - نیومن، میلدر، روانشناسی آگاهی، ترجمه فرشته نایی، انتشارات نزهت، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۳، ص ۷

واقعی قواعد آن در جامعه می دانند، با آرمانگرایی که عدالت را پایه اصلی و هدف همه قوانین دانسته و برای قانون، خلاف مذهب یا اخلاق یا حقوق بشر اعتباری نمی شناسند، به نتایج یکسانی نمی رسند. امروزه در بسیاری از کشورهای جهان، دادرسان پرده پوشی را رها کرده اند و به نظریات دانشمندان حقوق نیز در توجیه رأی خوداستناد می کنند. دادگاه های خارجی و بین المللی نیز در مواردی که ناچار به اجرای حقوق دیگر کشورها هستند، از همین دریچه گشاده برای دستیابی به حقوق آن کشور سود می برند.^۱ اما فرض خوشبینانه این است که اندیشه های حقوقی بی طرفانه ابراز می شود. در فضای علمی-قضایی، بی آنکه حب و بغضی باشد یا پیش داوری، ذره ای از فروغ خورشید حقیقت را کاسته باشد، اندیشه ها با محک خرد و تجربه سنجیده می شود و بر آن لباس قانون و ماده و تبصره پوشیده می آید.^۲

به طور کلی هدف از اجرای قوانین و به ویژه قوانین کیفری، برقراری نظم است و بس.^۳ اما دیگر صحبت از برقراری نظم در یک جامعه خاص مطرح نیست بلکه تلاش برای تحت نظم درآوردن کل جامعه جهانی وجود دارد و ایجاد امنیت و آرامش در جامعه از طریق به کیفر رساندن بزهکاران یا اعمال تدابیر تأمینی و تربیتی درباره آنان، بر عهده قدرت عمومی که از آن به دولت تعبیر می شود، نهاده شده است.^۴ در این راستا، حقوق که قسمت عمده و مهمی از زندگی بشر را تشکیل می دهد و امروزه دیگر بدون آن زندگی ممکن نیست، اهمیت دوچندانی یافته است. از یک طرف وظیفه قانونمند کردن و نظم بخشیدن به نظام بهره گیری از پیشرفتهای مادی به منظور استفاده تمام بشریت از آن و رعایت کرامت و شرافت انسانی را به عهده دارد و از طرف دیگر بسیاری از مسائل مهم مورد اختلاف در کشورها ریشه در حقوق دارد.

حقوق کیفری در غرب به شدت متأثر از مکاتب کیفری به وجود آمده در این منطقه می باشد. پس از ظلم و ستمهای فراوانی که به اسم دین و با ابزار کیفر بر مردم وارد شد، اندیشمندان چون بکاریا با عقاید و نظرات خود حقوق جزا را متحول ساخته و مکاتب کیفری را بنیان گذاری کردند. مکتب فایده اجتماعی و عدالت مطلق هر کدام با توجه بیش از اندازه به سودانگاری و عدالت، باعث متزلزل شدن

^۱ - کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر میزان، تهران، چاپ چهاردهم، زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۸

^۲ - آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد چهارم، اندیشه ها، انتشارات مجد، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۴، ص ۳۶

^۳ - کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۴

^۴ - آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات سمت، تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۸۵، ص ۱۰

خود شدند و از میان این دو مکتب نئوکلاسیک به وجود آمد. اما این مکتب هم خالی از نقص نبود و پس از مدتی کنار رفت. مکتب تحقیقی با انکار اراده آزاد انسان توجه زیادی به هدف ناتون‌سازی داشت. این مکتب نیز پس از مدتی مورد انتقاد قرار گرفت و مکاتب دفاع اجتماعی رونق یافتند. مکتب دفاع اجتماعی نوین به رهبری آنسل بیشترین توجه خود را بر اصلاح و درمان نهاد. اما پس از چندین دهه مشخص گردید که اصلاح و درمان سودی به حال جامعه نداشته است. سرانجام مکتب نئوکلاسیک نوین به وجود آمد و بار دیگر بر اعمال کیفر با هدف سزادهی تأکید شد.

در این پژوهش سیر تاریخی اهداف مجازات پس از عصر روشنگری، مفاهیم، نقاط قوت و ضعف این اهداف، اندیشمندان و مکاتب مؤثر بر اهداف مجازاتها، نقد مکاتب و دلایل تغییرات اهداف مجازاتها در حقوق کیفری غرب بررسی خواهد شد.

۲. زمینه، سابقه و تاریخچه پژوهش

با بررسی‌های به عمل آمده، پایان‌نامه‌ای با عنوان این پژوهش وجود ندارد. علاوه بر این در خصوص اهداف مجازاتها در حقوق جزای معاصر غرب و علل تغییرات آنها تحقیق جامعی صورت نگرفته بلکه تعدادی پایان‌نامه و مقاله در این راستا وجود دارد که هرکدام به نوبه خود به بررسی محدود و گذرای موضوع پژوهش حاضر پرداخته‌اند. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- ثقفی، منوچهر، جرم و فلسفه مجازات، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۵۳
- ۲- اسماعیلی زاده، جلال‌الدین، مبانی فلسفی حقوق جزا، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴
- ۳- عالی‌پور، حسن، توازن امنیت و جرایم تروریستی، پایان‌نامه دوره دکتری دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۷
- ۴- بریث ناچ، سیموس، جرم و مجازات از نظرگاه امیل دورکیم، ترجمه محمد جعفر ساعد، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۶

۵- رضوی فرد، بهزاد، از کارکردهای سنتی کیفر در حقوق داخلی تا کارکردهای نوین آن در حقوق بین الملل کیفری با تأکید بر رویه قضایی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۲۱، تهران، انتشارات پلیس پیشگیری ناجا، زمستان ۱۳۹۰

۶- کاشفی اسماعیل زاده، حسن، جنبش‌های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی، مجله الهیات و حقوق، شماره های ۱۵ و ۱۶، مشهد، دانشگاه علوم رضوی، ۱۳۸۴

۳. سؤالات و فرضیه‌های پژوهش

- ۱- قوانین کشورهای غربی تحت تأثیر چه نظریات و مکاتبی شکل گرفته و متحول شدند؟
- ۲- تغییر در اهداف مجازاتها تحت تأثیر چه عواملی است؟
- ۳- تغییر در اهداف مجازاتها از گذشته تا کنون سیر تکاملی دارد یا چرخشی؟

در پاسخ به سؤالات فوق و به عنوان فرضیيات پژوهش می‌توان گفت:

- ۱- قوانین کشورهای غربی تحت تأثیر دو دسته مکاتب کلاسیک، نئوکلاسیک، تحقیقی، دفاع اجتماعی و نئوکلاسیک نوین که پس از عصر روشنگری شکل گرفته‌اند متحول شده است.
- ۲- تغییر در اهداف مجازاتها تحت تأثیر دو دسته عوامل امنیتی و جرم‌شناختی متحول شدند.
- ۳- تغییرات صورت گرفته در اهداف مجازاتها سیری تکاملی دارد. مفهوم سزادهی و بازدارندگی در جنبش‌های بازگشت به کیفر که در چند دهه اخیر مطرح شده است، با مفاهیم قبلی آنها متفاوت است. همچنین اعمال کیفر در حقوق جزای نوین صرفاً با هدف سزادهی یا فایده‌گرایی نیست بلکه اعمال کیفرهای سخت در این دوران با هدف کنترل جرم و مدیریت ریسک آن صورت می‌گیرد.

۴. اهداف پژوهش

- ۱- تشخیص اهداف مجازاتها در دوران معاصر کشورهای غربی
- ۲- تشخیص علل مؤثر بر تغییرات اهداف مجازاتها
- ۳- تشخیص جهت چرخش اهداف مجازاتها (تکاملی یا چرخشی)

۵. اهمیت و ارزش پژوهش

با شناسایی اهداف مجازاتها در دوران معاصر و شناسایی علل مؤثر بر تغییرات اهداف آنها می توان از ایجاد یک سیکل تکراری در قانونگذاری جلوگیری نموده و تحولات مؤثری بر قانون گذاشت. همچنین با تفکیک بین ماهیت علل، علل پایدار و موقتی از هم تفکیک شده و با توجه به اینکه علل پایدار جزء نیازهای اساسی جامعه هستند، قانونگذار می تواند با در نظر گرفتن این عوامل، قوانینی را به تصویب برساند که صرفاً تقلید از قوانین موضوعه کشورهای دیگر نباشد بلکه ریشه در فرهنگ آن جامعه داشته باشند. بدین ترتیب مردم جامعه نیز این قوانین را بهتر درک نموده و به آنها احترام بیشتری می گذارند. بنابراین قانونگذار می تواند قوانینی را که بر اثر عوامل ناپایدار به وجود آمده اند، تحت تأثیر نیازهای جامعه و عوامل پایدار تغییر دهد.

۶. روش انجام تحقیق

در این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات متعدد در ارتباط با موضوع، اطلاعات لازم جمع آوری شده است. در ابتدا مطالب مختلف در ارتباط با موضوع مطالعه و فیش برداری شده و سپس به تحلیل آنها پرداختیم.

۷. طرح تحقیق

این تحقیق در سه فصل مجزا به انجام رسیده است. فصل اول اهداف سزادهی و بازدارندگی مجازات در مکاتب کلاسیک و نئوکلاسیک و همچنین اهداف حذف، طرد و ناتوان سازی در مکتب تحقیقی را مورد بحث و تحلیل قرار می دهد. در این فصل کارکردها و فلسفه مجازاتها در دوران پس از عصر روشنگری تا ظهور مکاتب دفاع اجتماعی بررسی خواهند شد. همچنین در هر قسمت پس از بیان هدف مورد نظر از مجازات، مکتب کیفری مربوطه به همراه انتقادات وارد بر آن ذکر خواهد شد.

فصل دوم به تغییرات اهداف مجازاتها از ظهور مکاتب دفاع اجتماعی تا نئوکلاسیک نوین می پردازد. دستگاه عدالت کیفری پس از چندین قرن اجرای مجازات با اهداف فایده گرایی، سزادهی، ناتوان سازی و... به رویکرد اصلاح و درمان روی آورد. اما در چند دهه اخیر بر اثر انتقادات وارده بر اصلاح و درمان،

این رویکرد تقریباً کنار گذاشته شده و مجدداً دستگاه عدالت کیفری به کیفر متوسل شود تا هرچه بیشتر به سرکوب و کنترل جرم بپردازد.

فصل سوم به بررسی دلایل تغییرات اهداف مجازاتها در حقوق کیفری غرب می‌پردازد. عمده دلایل این تغییرات دارای مبانی جرم‌شناختی و امنیتی هستند. دلایل جرم‌شناختی مؤثر بر این تغییرات، رویکرد مدیریتی به ضمانت اجراهای کیفری بر اساس حالت خطرناک و به وجود آمدن یک سیاست جنایی جدید در حقوق کیفری به نام سیاست جنایی تسامح صفر می‌باشد. دلایل امنیتی نیز به علل امنیتی - اجتماعی، امنیتی - اقتصادی و امنیتی - روانی تقسیم می‌شوند که در هر قسمت به تفصیل به تشریح آنها می‌پردازیم.

فصل اول:

تغییرات اهداف مجازاتها: از مکاتب کلاسیک تا مکاتب دفاع اجتماعی

بدون تردید سیاست هر جامعه با تمدنی که آن جامعه را شکل داده تناسب و هماهنگی دارد و تغییرات اساسی در سیاست (از جمله سیاست جنایی)، منوط به تحولی است که در تمدن یک کشور به وجود می‌آید. با تحولاتی که در تمدن کشورهای غربی بر اثر مرور زمان به وجود آمد نظریات و فلسفه‌های جدیدی نیز برای سیاست مطرح شد. این تغییرات، حقوق جزا را نیز متحول نمود و به تبع آن حقوق موضوعه نیز تغییر یافت.

حقوق کیفری به عنوان یکی از قدیمی‌ترین شاخه‌های حقوق، دارای کارکردهای متعدد آموزشی-حمایتی است. در بعد آموزشی، این رشته رفتارهای ناقض هنجارهای بنیادین را به شهروندان معرفی کرده و بایدها و نبایدهای کیفری را به آنان می‌آموزد. حقوق کیفری از این رهگذر با جرم شناختن برخی اعمال و شناساندن قابلیت سرزنش پذیری آنها به شهروندان، در صدد آموختن ارزشهای اساسی اجتماع به آنان برمی‌آید.^۱ همچنین قانونگذار می‌تواند در راستای اشاعه ارزشها نقش مؤثری داشته باشد. گاه نیز حکومت از راه جرم‌انگاری و پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری، باید افراد جامعه را وادار به اطاعت از اراده عام کند. زیرا نیاز به عدالت بر هر نظام اعتقادی اجتماعی برتری دارد و نباید به استناد وجدان عمومی جامعه، از اجرای اخلاق و عدالت خودداری کرد.^۲

علاوه بر این، حقوق کیفری دارای کارکرد سرکوبگر و انتقام‌جویانه^۳ نیز بوده و برای نمایان ساختن این جنبه بر شبکه‌های کیفری و بکارگیری ابزار مجازات تمرکز می‌کند. در این بستر تاوان نقض

^۱ - کوشا، جعفر، جرائم علیه عدالت قضایی، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۵۸

^۲ - تبیت، مارک، فلسفه حقوق، ترجمه حسن رضایی خاوری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۴، ص ۲۱

^۳ - انتقام‌جویی وسیله‌ای است برای اعاده آبروی از دست رفته بزه دیده و همزمان برای تأیید مجدد حیثیت و قدرت وی، که اینکار با توهین به شخص توهین‌کننده یعنی مجرم، چنان که او را خوار می‌کند. در واقع کیفر باید قلب برآشفته بزه دیده را آرام بخشد و به وی نفع برساند و برای او نوعی لذت را به وجود آورد. ارسطو معتقد بود که کیفر نخست باید مجنی علیه را ارضاء کند. (پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۸، ص ۲۳). افلاطون نیز گرچه به تلافی و انتقام‌گیری معتقد است، لیکن سفارش می‌کند که این هدف بایستی توأم با عقل و دلیل باشد. در اندیشه رواقی که عدالت طبیعی با عدالت الهی همسان است و افعال انسان بر پایه طبیعت و فطرت صورت می‌پذیرد، مجازات جنبه انتقام الهی دارد که همان انتقام طبیعی و زیستن بر اساس طبیعت است. انتقام‌جویی صرفاً در روابط بین دو خانواده حکومت می‌کرد، اما در داخل خانواده وضع دیگری برقرار بود. انتقام را می‌توان نتیجه بی‌شکلی و بی‌نظمی جامعه دانست اما خانواده نهاد متشکلی در این دوران محسوب می‌شده است. رئیس خانواده علاوه بر ریاست مذهبی و سیاسی، قاضی خانواده نیز به شمار می‌رفت. در این حال مجازات مجرم در اختیار رئیس خانواده بود. جرم در داخل خانواده به عنوان اهانت تجاوز به مقام الوهیت و مرتبه ربانیت تلقی می‌شد و مرتکب ملوث و آلوده شناخته می‌گردید. رئیس خانواده مجرم را مجازات می‌کرد تا خانواده از غضب خداوند در امان بماند. مجازات مجرم غالباً اعدام بود و در مواردی که مجرم اعدام نمی‌شد از خانواده طرد می‌گردید. (باهری، محمد، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، انتشارات مجد، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴، ص ۶۵)

هنجارهای بنیادین اجتماعی، تحمیل مجازات بر مرتکب جرم است که البته در هر برهه‌ای از تاریخ حقوق کیفری با ماهیت و رسالت متنوع و گاه متضاد متبلور شده است.^۱

حقوق کیفری در غرب تا حد زیادی متأثر از آموزه‌های کیفری است. بنابراین هر چه این مکاتب در طول زمان تغییر نمودند، اهداف مجازاتها نیز به تبع آنها متغیر شدند. در این پژوهش برآنیم که اهم اهداف مجازاتها پس از عصر روشنگری و مکاتب تأثیرگذار بر آنها را مورد بررسی قرار دهیم. در این فصل ابتدا اهداف بازدارندگی و سزادهی مورد نظر مکاتب کلاسیک و نئوکلاسیک را بررسی می‌نماییم و سپس طرد و ناتوان‌سازی که تحت آموزه‌های مکتب تحقیقی رشد ویژه‌ای یافته، تبیین و توضیح داده خواهد شد.

مبحث اول: بازدارندگی و سزادهی در مکاتب کلاسیک و عدالت مطلق

پس از ظلم و ستم فراوانی که پیش از عصر روشنگری به بشریت وارد گردید و در سایه جمعی از اندیشمندان آزادی‌خواه، مکاتب کلاسیک به وجود آمدند.^۱ از نظر این مکاتب با انعقاد قرارداد اجتماعی،

در دوران بعد که اندیشه رواقی با دین مسیح می‌آمیزد، گرچه انتقام تا حدی تعدیل شده و با رحمت الهی مورد نظر دین مسیح آمیخته می‌گردد، ولی همچنان وجود دارد و گاهی در میان طوایف و قبایل منجر به جنگهای خونین گردیده است. در میان این قبایل، انتقام حق قربانی و خانواده اوست و حتی تکلیفی است که به طور مخصوص متوجه یک خویشاوند نزدیک قربانی است. اعضای قبیله نیز نظارت می‌کنند که صاحب حق در انجام تکالیف خود کوتاهی نکند، با وجود این، همین انتقام یک تضمین حفظ نظم در روابط بین قبایل و جلوگیری از وقوع جرم علیه دیگری است. (استفانی، گاستون، بولک، حقوق‌جزای عمومی، جلد اول، ترجمه حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۵۵)

این جنبه از مجازات اگر چه در کشورهای متمدن تضعیف شده است، اما هنوز در میان خانواده‌هایی که از استحکام بیشتری برخوردارند وجود دارد و در بسیاری از موارد در صورت مجازات نشدن مجرم توسط دستگاه عدالت کیفری، انتقام خصوصی توسط آنان انجام می‌گیرد. اثر انتقامجویی علی‌الخصوص وقتی نمایان تر خواهد شد که تبعه یک کشور در کشور دیگری مرتکب جرم شود.

می‌توان گفت که برخی از پدیده‌ها پیشاپیش، شکست خورده و نادرست جلوه می‌کند؛ محکومیت فرآیند انتقامجویی نیز جزء این موارد است. از فجایع انتقامجویی سخن زیاد گفته می‌شود. انتقامجویی واکنشی بدوی است و شایسته یک انسان متمدن نمی‌باشد. بدین معنا که هیچ کس حق ندارد خود برای خود عدالت را به اجرا دربیآورد. (نجفی‌ابرنادادی، علی‌حسین و بادامچی، حسین، تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۲۲۵)

^۱ - بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی‌حسین نجفی‌ابرنادادی، انتشارات مجد، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۵، ص ۲۹

جامعه واقعیت می‌یابد و در این هنگام حقوق افراد هیچ عنوان دیگری غیر از اراده عمومی ندارد که حفظ حقوق آنان در غالب همین اجتماع صورت می‌گیرد. با پیدایش «اصالت سودمندی» مجازات‌ها نیز باید فایده‌دار باشند. مبنای اعمال بشر، حقوق طبیعی و جذب لذت و دفع الم است و هر گاه درد و رنج ناشی از یک عمل بر نفع و لذت حاصل از آن فزونی داشته باشد، شخص از انجام آن منصرف شده و مرتکب عمل مورد نظر نخواهد شد. بنابراین مجازات‌ها بایستی متناسب با لذت جرائم تعریف شود. به نحوی که فرد در سنجش بین لذت و رنج حاصل از ارتکاب عمل، از انجام آن خودداری نماید. بنابراین می‌بایست جنبه ارباب‌انگیزی مجازات‌ها تقویت شده و به قول بنتام «رنج ظاهری» بیش از «رنج واقعی» آن باشد، تا بیشترین نفع از کمترین تحمل درد و رنج عاید گردد.

ارباب می‌تواند از دو جهت به حال جامعه مفید باشد. از یک طرف مجرم با تحمل درد و رنج تنبیه شده و در اعمال و رفتار آینده خود احتیاط بیشتری به خرج می‌دهد و بدین ترتیب از تکرار جرم جلوگیری می‌شود و از طرف دیگر، کسانی که زمینه‌های ارتکاب جرم را دارند با مشاهده مجازات از عمل مجرمانه منصرف شده و یک نوع پیشگیری مفید به عمل می‌آید. شدید بودن مجازات‌ها از زمان‌های قدیم و تا اواسط قرن روشنگری به خاطر وجود همین جنبه قابل توجیه است. این نظریه نیز گرچه مخالفانی دارد اما از اهداف امروزی حقوق جزا و مجازات‌های آن به شمار می‌رود. همچنین سزادهی، از اهداف اصلی مجازات به شمار می‌آید زیرا مجازات نمی‌تواند از گذشته غافل شود و جرم را به حساب نیاورد. این جنبه از مجازات که از قدیم به همراه جنبه‌های ارباب و انتقامجویی وجود داشته، در حقوق جزای غرب مورد توجه بوده است. در این قسمت به بررسی اهداف بازدارندگی و سزادهی مجازات می‌پردازیم.

^۱ - عصر روشنگری، دوره پس از ظهور اندیشمندانی چون بکاریا و آغاز مکتب فایده اجتماعی است که باعث ایجاد تغییرات زیادی در حقوق جزا و قوانین کیفری بسیاری از کشورها گردید.